

# چین و بحران دریای سر



در عصری زندگی می‌کنیم که آمریکا دیگر امپراطور مطلق دنیا محسوب نمی‌شود. قدرت‌های جهانی دیگری در حال ظهور هستند و کشوری دیگر نمی‌خواهد رابطه کاملاً یک‌طرفه با آمریکا داشته باشد. مهم‌ترین سوژه در این موضوع چین است. می‌توان گفت چین از منظر اقتصادی و سیاسی با آمریکا توازنی ایجاد کرده است و دیگر تک‌قطبی آمریکایی وجود ندارد. در بخش نظامی اما آمریکا همچنان به طور قابل توجهی برتری خود را نسبت به چین حفظ کرده است. رقابت دو قدرت بزرگ جهانی بیش از همه جا

در منطقه غرب آسیا نمود پیدا کرده و چالش‌های جدیدی را هم برای دو قدرت و هم برای کشورهای منطقه ایجاد کرده است. اکنون پس از جنگ غزه و در پی آن بحران ایجاد شده در دریای سرخ، این تقابل دچار تنش‌های جدیدی شده است. ابتدا خوب است مروری کلی بر سرمایه‌گذاری‌های چین در منطقه و روندی که طی کرده داشته باشیم. چین در عین حال که نیم قرن است از فلسطین حمایت کرده است، اما در دو دهه گذشته نزدیک‌ترین روابط تاریخ خود با اسرائیل را برقرار کرده و سرمایه‌گذاری‌های بزرگی

را در آن جا انجام داده است. چین در ۱۰ سال اخیر تقریباً ۹ میلیارد دلار در اسرائیل سرمایه‌گذاری کرده و پروژه‌هایی به ارزش ۳ میلیارد دلار اجرا کرده است. غرب آسیا همواره برای چین به عنوان منبع تأمین انرژی بسیار مهم بوده است. در دهه‌های اخیر چین واردکننده حدود نیمی از نفت جهان بوده که نصف این میزان را از منطقه ما وارد می‌کرده است. این وابستگی در شرایطی که آمریکا حدود ۵۰ سال است در فضای امنیتی و نظامی منطقه حضور دارد و از این منظر قدرت کنترل بالایی دارد، خطرناک است. در نتیجه یکی از اهداف بزرگ چین کم‌رنگ کردن هژمونی آمریکا در منطقه است.

چینی‌ها به مرور میزان سرمایه‌گذاری و همکاری‌های خود را با کشورهای مختلف منطقه به خصوص کشورهای حاشیه خلیج فارس افزایش

پس از شروع عملیات انصارالله یمن علیه کشتی‌های عمدتاً اسرائیلی، آمریکایی و انگلیسی، غربی‌ها از چین خواستار این بودند که به ایران فشار بیاورد تا یمنی‌ها را کنترل کند. چینی‌ها تاکنون چنین کاری را به طور رسمی انجام نداده‌اند